

بازنمایی جنگ ایران و عراق در نمایشنامه‌های رادیویی

محمدامین رهبر^۱، عباس قارونی^۲، فرشاد آذرینیا^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

چکیده

یکی از وظایف رسانه، بازنمایی رویدادهای مهم تاریخی است. در تاریخ معاصر کشور ما، جنگ ایران و عراق، از اتفاقات مهمی محسوب می‌شود که دستمایه تولید آثار بسیاری شده است. هدف این پژوهش، بازنمایی جنگ ایران و عراق در نمایشنامه‌های رادیویی دهه ۶۰ و ۹۰ است، در گام بعدی، بازنمایی این رویداد با توجه به گفتمان‌های موجود در این دو دهه، مورد مقایسه قرار می‌گیرد. روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است. با توجه به لزوم مراجعه به آرشیو برای دریافت نمونه‌های موردنیاز، ابزار گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه‌ای-اسنادی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفاهیم ارزشی جنگ، بیشترین بازنمایی را در نمایشنامه‌های رادیویی داشته، شیوه برخورد با مرگ، اشتیاق به شهادت بوده و هراسی از کشته‌شدن، در میان نیروهای ایرانی، وجود نداشته است. همچنین درمورد رنج‌های ناشی از جنگ، پرداخت زیادی صورت نگرفته و بازنمایی نیروهای عراقی، بیشتر به شکلی منفی انجام پذیرفته است. این یافته‌ها درمورد هر دو دهه ۶۰ و ۹۰ صدق می‌کند. براساس نتایج به دست آمده، بازنمایی جنگ ایران و عراق در نمایشنامه‌های رادیویی دهه ۶۰ و ۹۰، تغییر زیادی نداشته و یکسان بوده است، درحالی‌که فضای جامعه، تغییر کرده و لازم است سلايق مخاطب امروزی هم در نظر گرفته شود و ناگفته‌های جنگ در کنار مفاهیم ارزشی آن، مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی

بازنمایی جنگ، جنگ ایران و عراق، گفتمان، نمایشنامه رادیویی.

* این مقاله بر اساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۱. کارشناسی‌ارشد نویسندگی رادیو، گروه رادیو، دانشکده تولید رادیو و تلویزیون، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

M.aminrahbar@ymail.com

۲. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه پنجاب، پاکستان.

gharooni54@yahoo.com

۳. کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Farshad_efector@yahoo.com

مقدمه

یکی از وقایع مهم تاریخ معاصر ایران، جنگ هشت ساله ایران و عراق بوده که از زمان شروع آن در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز، دستمایه تولید آثار بسیاری شده است. آنچه اهمیت دارد، بازنمایی این رویداد در آثار هنری و رسانه‌ای مختلف است و با توجه به اینکه در هر دوره، جامعه، تفکر مرتبط با زمانه خود را دارد، هنرمند و رسانه، باید از اندیشه‌های موجود در جامعه مطلع باشند و حتی چند گام هم جلوتر قدم بردارند. در واقع، می‌توان گفت بازنمایی در رسانه با مفهوم گفتمان گره خورده و درک و دریافت مخاطب با توجه به دوره زمانی‌ای که در آن زندگی می‌کند، تحت‌تأثیر افکار غالب و گفتمان‌های جدید است. به همین دلیل، توجه رسانه به مفاهیم جدیدی که زندگی مردم را تحت‌تأثیر قرار داده، اهمیتی بسزا پیدا می‌کند و سبب بقای هرچه بیشتر رسانه می‌شود. دغدغه این پژوهش، پاسخ به دو پرسش است؛ نخست اینکه، بازنمایی جنگ ایران و عراق در نمایشنامه‌های رادیویی دهه ۶۰ و ۹۰، چگونه بوده و دوم، رابطه بازنمایی این جنگ با گفتمان‌های موجود در دو دهه مذکور، به چه صورت بوده است؟ در نهایت، فرضیه پژوهش، به این نکته اشاره می‌کند که بازنمایی جنگ ایران و عراق در نمایشنامه‌های رادیویی دهه ۶۰ و ۹۰، یکسان بوده و تغییر چندانی نداشته است.

پیشینه پژوهش

آزادیان، و قاسمی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی تحول بازنمایی جنگ در آثار سینمایی دفاع مقدس (با تأکید بر آثار رسول ملاقلی‌پور)» به این نتیجه دست یافتند که کارگردان، تلاش کرده متناسب با فضا و شرایط اجتماعی هر دوره، به بازنمایی رویدادها و وقایع سه دوره: جنگ، بازسازی و اصلاحات بپردازد که یافته‌های به‌دست‌آمده از تحقیق، این امر را به‌خوبی نمایان می‌کند. در پژوهشی دیگر، ودیعه، (۱۳۸۱) با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی جنگ ایران و عراق در قالب نظریه پارسونز»، تلاش کرده تا جنگ عراق علیه ایران را در چهارچوب خرده‌نظام‌های پارسونز تحلیل کند. در نهایت، این نتایج حاصل شده که جنگ، خرده‌نظام زیستی، شخصیتی و اجتماعی را دچار آسیب کرد، اما خرده‌نظام فرهنگی، تحت‌تأثیر جنگ،

توانست در برهه‌های مختلف، ارزش‌های گوناگونی را احیا کند و در سطح جامعه گسترش دهد و دستورهای لازم را به سایر خرده‌نظام‌های جامعه برای مقابله با پیامدهای ناشی از جنگ، ارائه کند. البته این خرده‌نظام نیز در اواخر جنگ، کارایی خود را به‌صورت نسبی از دست داد.

بررسی پژوهش‌های پیشین، نشان می‌دهد که اگرچه به مباحثی همچون بازنمایی و جنگ ایران و عراق پرداخته شده است، اما پژوهشی مستقل، به‌منظور شناخت بازنمایی این جنگ در نمایشنامه‌های رادیویی، انجام نشده است.

چهارچوب نظری پژوهش

چهارچوب نظری این پژوهش، براساس نظریه بازنمایی استوارت هال، استوار است. طبق رویکرد هال، سه برداشت اصلی و متفاوت از بازنمایی رسانه‌ای وجود دارد:

- نظریه‌های بازتابی (The reflective Theories): رویکرد بازتابی، بر این باور است که کارکرد زبان، مانند یک آینه، بازتاب معنای صحیح و منطبق با جهان است؛

- نظریه‌های تعمدی (The Intentinal Theories): در این رویکرد، «کلمات» معنای‌ای را که مؤلف، قصد انتقال آنها را دارد، با خود حمل می‌کنند؛

- نظریه‌های برساختی (The Constructive Theories): براساس این رویکرد، ما معنای را می‌سازیم و این عمل را به‌واسطه نظام‌های بازنمایی مفاهیم و نشانه‌ها انجام می‌دهیم. (25-Hall. 1997: 24)

هال با پذیرش رویکرد سوم، یعنی رویکرد برساخت‌گرایانه بازنمایی، این بحث را مطرح می‌کند که: «رسانه‌ها واقعیت را بازتاب نمی‌دهند، بلکه آن را به‌صورت رمز و نشانه درمی‌آورند و به‌صورت نمادین- و نه مبتنی بر واقعیت- انعکاس می‌دهند». (Ibid:72)

بازنمایی، تولید معنا از طریق زبان است. برساخت‌گرایان معتقدند که ما از نشانه‌ها، که در زبان‌های مختلف، سازمان‌دهی شده‌اند، برای برقراری ارتباط با دیگران استفاده می‌کنیم. هیچ رابطه سراسری از بازتاب، تقلید و تناظر یک‌به‌یک،

میان زبان و جهان واقعی وجود ندارد. جهان، آن «دیگری» ای نیست که در زبان، بازتاب یافته است. زبان، همانند آینه عمل نمی‌کند. معنا در زبان و از طریق نظام‌های بازنمایی گوناگون- که ما آن را به‌طور ساده، زبان می‌نامیم- تولید می‌شود. اگر ما مفهومی را از برخی اشیا داشته باشیم، آن‌گاه می‌توانیم مدعی شویم که معنای آن را می‌دانیم، اما نمی‌توانیم این معنا را بدون داشتن یک نظام بازنمایی انتقال دهیم. زبان، دربرگیرنده نشانه‌هایی است که روابط گوناگون میان‌شان برقرار است. (Ibid:28) درواقع، می‌توان این‌گونه بیان کرد که طبق نظر هال، بازنمایی را باید درون یک ساختار، فهم کرد که ممکن است بخشی از آن، مربوط به تولیدکننده اثر باشد، بخشی مربوط به برجسته‌سازی و بخشی دیگر، متناسب با شرایط اجتماعی، فرهنگی و... باشد.

به عقیده هال، در مسیر بازنمایی، دو استراتژی توسط رسانه‌ها در دستور کار قرار می‌گیرند: «کلیشه‌سازی» و «طبیعی‌سازی یا بدیهی‌نمایی». کلیشه‌سازی، یک پدیده را در حد چند خصیصه یا ویژگی ساده تقلیل می‌دهد. در حقیقت، کلیشه‌سازی، تعداد اندکی از خصیصه‌های ساده، پایدار، به‌سادگی قابل‌فهم و منفی را در یک پدیده، در نظر می‌گیرد و همه‌چیز را درباره آن پدیده، به آن خصیصه‌ها تقلیل می‌دهد، آن صفات را اغراق‌آمیز و ساده ساخته و ثابت و ابدی می‌پندارد. کلیشه‌سازی، همچنین با اتخاذ راهبرد تقسیم‌کردن، ویژگی‌های بهنجار و قابل‌قبول را از نابهنجار و غیرقابل‌پذیرش، جدا می‌کند و سپس، هر چیزی را که در درون بهنجار و قابل‌قبول نگنجد و متفاوت و ضد با خود باشد، طرد می‌کند. کلیشه، به‌طور نمادین، مرزها را مشخص می‌کند و هر چیزی را که به «ما» تعلق ندارد، طرد و نفی می‌کند. در یک کلام، کلیشه‌سازی، نوعی مرز نمادین میان خودی و غیرخودی (دیگری)، دوست و دشمن، ترسیم و تصویر می‌کند. به این ترتیب، کلیشه‌سازی، نه به‌مثابه معنایی غیرواقعی و ساده‌لوحانه از یک پدیده، بلکه به‌منزله ساده‌سازی یک پدیده و موضوع پیچیده، چندلایه و چندخصیصه‌ای، برای فهم‌پذیر و باورپذیر شدن ویژگی‌های واقعاً موجود آن است. از این رو، «کلیشه‌سازی»، یکی از مهمترین ویژگی‌های گفتمان‌سازی یا بازنمایی رسانه‌ای است که با هدف تقلیل ذاتی و تثبیت مرزهای بین خودی و دشمن (دیگری)، به‌مدد تنزل یک هویت یا موجودیت به چند ویژگی ساده، فراگیر، مبالغه‌آمیز

و معمولاً منفی، صورت می‌پذیرد. در نهایت، می‌توان گفت که استوارت هال، نمایش دیگری را با کلیشه‌سازی پیوند می‌دهد (Hall, 2003: 258)

طبیعی‌سازی، فرایندی است که از طریق آن، ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی، به‌گونه‌ای عرضه می‌شوند که گویی، اموری طبیعی هستند. طبیعی‌سازی، به‌شکل ضمنی، کارکرد ایدئولوژیک دارد. بارت، سازوکار اسطوره را طبیعی جلوه دادن امور تاریخی، معرفی می‌کند. «اسطوره، تاریخ را به طبیعت بدل می‌کند. اسطوره، گفتاری است که به‌شیوهٔ مفرط، موجّه جلوه داده می‌شود» (بارت، ۱۳۸۰: ۱۰۵).

هال بیان می‌کند که واقعیت، دارای هیچ‌گونه معنای ثابتی نیست تا بازنمایی شود و بازنمایی‌ها و معانی متنوع نسبت‌داده‌شده به آنها نیز در طول زمان و اینکه دیدگاه چه کسی مطرح شود، تغییر خواهد یافت. هال استدلال می‌کند واقعیت، به‌نحو معنادار وجود ندارد. بازنمایی، یکی از شیوه‌های اساسی تولید معناست. معنا صریح یا شفاف نیست و از طریق بازنمایی در گذر زمان، بی‌ثبات یا لغزنده است و همیشه قرار ملاقاتش با حقیقت مطلق را به تأخیر می‌اندازد، همیشه برای هم‌پنین شدن با موقعیت‌های جدید، مورد مذاکره قرار می‌گیرد و تغییر می‌یابد، اغلب، مورد مجادله بوده و گاهی به‌شدت، بر سر آن جنگ شده است. معانی، به‌شدت در رابطه با قدرت، ثبت و حک می‌شود (Hall & Jhally, 2007: 19).

به باور هال، درکی که ما از اشیا داریم، در محدودهٔ قیدوبندهای گفتمانی شکل می‌گیرد؛ ویژگی‌های گفتمان از طریق «تعیین حدود حوزه‌ای از اشیا، تعریف یک دیدگاه مشروع برای عامل دانش و تثبیت هنجارهایی برای شرح و بسط مفاهیم و نظریه‌ها» مشخص می‌شود. نخستین چیزی که باید در نظر داشت، این است که از نظر هال، گفتمان باعث می‌شود که حوزهٔ دید شخص محدود شود و شخص، طیفی بزرگ از پدیده‌ها را از جرگهٔ پدیده‌هایی که واقعی تلقی می‌شوند یا شایان‌توجه هستند و یا حتی وجود دارند، کنار بگذارد؛ از این رو، تعیین حدود یک حوزه، نخستین مرحله در تأسیس مجموعه‌ای از رویه‌های گفتمانی است (Ibid:36).

پیش از ورود به بخش یافته‌های پژوهش، جا دارد که به برخی از مفاهیم مورد استفاده در این تحقیق اشاره شود.

نمایشنامه رادیویی

مثل هر نمایش دیگری، نمایشنامه‌های رادیویی، نیاز به پیروی از قواعد اصلی، یعنی شخصیت، گفتگو و ساختار دارند. اما یک تفاوت مهم وجود دارد که نویسنده باید به آن توجه کند. اطلاعاتی که شنونده دریافت می‌کند، تنها از طریق گوش‌هایش است. تمام تصاویری که نویسنده آرزو دارد در ذهن شنونده خلق کند، از طریق آنچه شنیده می‌شود، به وجود می‌آیند. شنونده، اطلاعاتی را که برای ساخت تصویر به آنها نیاز دارد، از پنج طریق دریافت می‌کند: گفت‌وگو، جلوه‌های صدا، جو پس‌زمینه، موسیقی، سکوت (ژن، گاتورپ، ۱۳۹۱: ۱۶۸) گفت‌وگو در نمایشنامه رادیویی، نقشی اساسی دارد و به‌نوعی، بار اصلی انتقال اطلاعات بر دوش دیالوگ یا همان گفت‌وگو است. نمایشنامه رادیویی، برخلاف دیگر متون نمایشی که به تصویر تبدیل می‌شوند، جنبه شنیداری دارد و تصویر نهایی در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد. در واقع، می‌توان گفت بخشی از نمایشنامه رادیویی، بعد از نگارش، توسط تیم تولید، اجرا می‌شود و بخش مهم دیگر آن، در ذهن مخاطب به مرحله اجرا می‌رسد. در این پژوهش، منظور از نمایشنامه رادیویی، متنی است که برای بازنمایی جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، نوشته و سپس ساخته شده است.

گفتمان

مفهوم گفتمان در دست فوکو، به شکل تولید دانش از طریق زبان درآمد؛ یعنی این گفتمان است که به ابژه‌های مادّی و عملکردهای اجتماعی معنا می‌بخشد. نیازی به گفتن نیست که ابژه‌های مادّی و عملکردهای اجتماعی، خارج از زبان وجود دارند. اما زبان به آنها معنا می‌دهد و جلوی چشم قرار می‌گیرند، لذا به لحاظ گفتمانی، شکل می‌گیرند. (بارکر، ۱۳۸۷: ۶۴) به نوشته فوکو، این شکل‌بندی‌ها غالباً به نام علم، این امکان را به نهادها داده‌اند که با تعریف‌کردن و کنار گذاشتن دیوانگان، بیماران و منحرفان، قدرت و سلطه خود را اعمال کنند. از نظر فوکو، گفتمان، همواره در پیوندی تنگاتنگ با قدرت است. گفتمان، همان فضای حاکم بر کلیه نهادها و سامان‌دهنده آنهاست. این گفتمان است که تعیین می‌کند چه چیز را می‌توان گفت، معیارهای حقیقت کدام‌اند، چه کسی مجاز است با اقتدار صحبت کند و چنین صحبتی در کجا می‌تواند بیان شود. (همان: ۱۶۴) فوکو بیش از هر چیز،

به سبب ابداع اشیای تاریخی جدی، تأثیرگذار بوده است. چیزهایی همچون: جنس، مجازات و جنون که پیش از این، فکر نمی‌کردیم تاریخی داشته باشند. در آثار او این چیزها به منزله سازه‌های تاریخی بررسی می‌شوند و بنابراین ترغیب‌مان می‌کنند تا دقت کنیم که رویه‌های گفتمانی یک دوره، از جمله ادبیات، چگونه به چیزهایی که مسلّم می‌انگاشتیم، شکل داده‌اند (کالر، ۱۳۸۲: ۱۶-۱۷).

فوکو در «سوژه و قدرت»^۱ می‌نویسد: هدف من ایجاد تاریخی است از سبک‌های متفاوت که به واسطه آن، در فرهنگ ما، انسان، سوژه می‌شود. این صورتی از قدرت است که از افراد، سوژه می‌سازد. واژه سوژه، دارای دو معناست: سوژه به معنای تحت‌کنترل یا وابسته به کسی بودن و دیگری، وابستگی به هویت خود، به صورت خودآگاهانه و از روی علم. هر دو معنا، صورتی از قدرت را در خود دارد که سوژه را می‌سازد و تحت‌انقیاد درمی‌آورد (Foucault, 1982: 208). هر کس باید از سوژه سازنده‌اش رها شود تا از خود سوژه خلاصی یابد، بدین معنا به شرایطی برسد که بتواند ساخته‌شدن سوژه را درون چارچوبی تاریخی، درک و تحلیل کند (Foucault, 1980: 115).

گفتمان و بازنمایی

از منظر فوکویی، آن‌گونه که در مطالعات فرهنگی در بریتانیا تکوین یافته است، می‌توان گفت بازنمایی همیشه در یک گفتمان صورت می‌پذیرد و گفتمان تعیین می‌کند که در یک متن خاص، چه می‌توان گفت و چه نمی‌توان گفت. لذا گفتمان‌ها سازمان‌های دانش هستند و همواره در بطن نهادهای اجتماعی، نهفته و با قدرت گره‌خورده‌اند و شیوه‌های فهم را تولید می‌کنند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۹).

گفتمان انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران از بدو تأسیس، گفتمانی جدید را ایجاد کرد. حکومت مردم‌گرای دینی، استقلال، مبارزه با طاغوت و استکبار جهانی، دفاع از محرومین و مستضعفین امت اسلامی، دفاع از پابره‌ها، مقابله با کوخ‌نشینی و برابری و مساوات، مجموعه به هم پیوسته‌ای از مفاهیم را تشکیل می‌دهند که در جریان انقلاب اسلامی، وارد ادبیات سیاسی شد و در مجموع، گفتمانی واحد را تشکیل داد

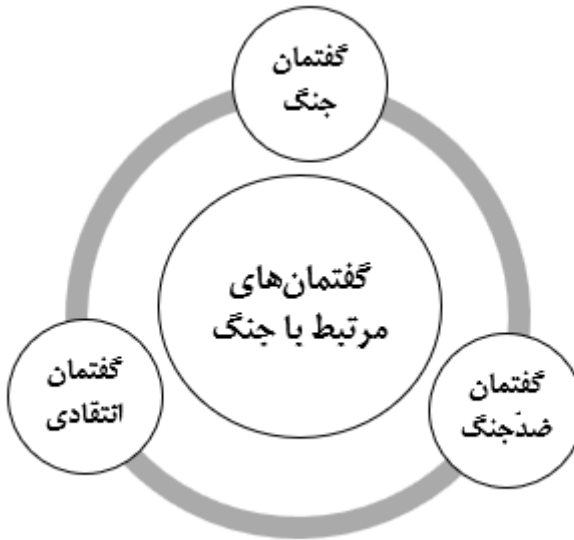
که این گفتمان جدید در پارادایم خاصی قابل فهم است که می‌توان آن را پارادایم اسلام سیاسی نامید (ایوبی، ۱۳۸۰: ۲۴-۲۵)

معرفی گزاره‌های گفتمان رسمی جمهوری اسلامی

- تلاش برای صدور انقلاب اسلامی؛
- اعتقاد به جهاد و شهادت در راه حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی؛
- تأکید بر حقانیت سربازان و رزمندگان ایران در دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی (مدنی و نظری، ۱۳۸۶: ۱۴۱)؛

تقسیم‌بندی گفتمان‌های مرتبط با جنگ

- گفتمان جنگ؛
- گفتمان ضد جنگ؛
- گفتمان بازاندیشانه (انتقادی).



گفتمان جنگ

این گفتمان، عمدتاً در زمان جنگ شکل می‌گیرد و هدفش، تهییج یکی از طرفین درگیر در نبرد است. شناختی که در این گفتمان ارائه می‌شود، به گونه‌ای است که یکی از متخاصمین را بر حق و دیگری را بر مسیر باطل نشان می‌دهد. انتظار مهمی که از این گفتمان می‌رود این است که به نیروهای خودی، اطمینان و اعتماد ببخشد (جوادیان‌زاده، ۱۳۹۰: ۶۸). حاکمیت و قدرت که بازتولیدکننده اصلی گفتمان حاکم در مورد جنگ هستند، دغدغه آن را دارند که: جنگ چگونه باید روایت شود تا انقلاب اسلامی در تداوم نسل‌ها همچنان حفظ شود و خطر تحریف، آن را تهدید نکند؟ (جمشیدی، ۱۳۸۷: ۲)

گفتمان ضد جنگ:

هدف اصلی گفتمان ضد جنگ، خنثی کردن گفتمان جنگ است. در این گفتمان، مفاهیم گفتمان قبلی، به چالش کشیده می‌شود و شناختی ارائه می‌شود که هدفش، تردید در شناخت گفتمان جنگ است. تأثیری که انتظار می‌رود گفتمان ضد جنگ بر تعاملات اجتماعی بگذارد، تغییر دیدگاه جامعه نسبت به پدیده جنگ و بازنمایی آسیب‌هایی است که جوامع از ناحیه جنگ متحمل می‌شوند. این گفتمان، عمدتاً از سوی نهادهای حامی جنگ حذف می‌شود و در زمان جنگ، برای سربازان، تردیدبرانگیز تلقی می‌شود. (جوادیان‌زاده، ۱۳۹۰: ۶۸)

گفتمان بازاندیشانه (انتقادی)

در این گفتمان، زبان از خصلتی انتقادی و بازنگرانه برخوردار است. در اینجا جهت‌گیری مشخصی وجود ندارد و هدف اصلی، شناخت ابعاد از جنگ است که در دو گفتمان قبلی، مغفول مانده است. در گفتمان بازاندیشانه، از حب و بغض‌های شدید و نگرش‌های تند ایدئولوژیک خبری نیست و عمدتاً در زمانی که فاصله تاریخی از پدیده جنگ به وجود می‌آید، تولید می‌شود (همان: ۶۹)

جنگ ایران و عراق

جنگ یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد پیوستگی و عنصر مقاوم هویت‌های ملی به شمار می‌آید. مهم‌ترین جنگ تاریخ معاصر ایران، جنگ هشت‌ساله‌ای است که

با کشور عراق، همسایه غربی ایران در خلال سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ رخ داد. این جنگ از لحاظ تاریخی در فاصله زمانی کوتاهی پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ آغاز شد و در طول دهه اول انقلاب ادامه یافت؛ دهه‌ای که به نوعی، دهه استقرار نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شد. از این رو، بسیاری از مسائل این دو واقعه مهم، به شکلی تفکیک‌ناپذیر با یکدیگر آمیخته شدند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۴) با توجه به نظریه بازنمایی استوارت هال و نمایش خود و دیگری، جنگ ایران و عراق را می‌توان تقابل خود (ایران) و دیگری (عراق) دانست.

روش‌شناسی پژوهش

از آن جا که این پژوهش به دنبال کشف مضامین و محتوای پنهان موجود در نمایشنامه‌های رادیویی است و قصد دارد به فهمی جامع‌تر از متن برسد، تحلیل محتوای کیفی به عنوان روش پژوهش انتخاب شده است. در همین راستا، نمونه‌ها از هر دهه انتخاب و با توجه به گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمان جنگ، گفتمان ضد جنگ و گفتمان انتقادی، مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها در نظر گرفته شدند. به علاوه، همزمان با انتخاب نمونه‌ها و تحلیل هر یک از آنها، زیرمقوله‌های جدیدی برای مقوله‌ها با توجه به داده‌های مورد بررسی، اضافه شد. سپس کدگذاری مقوله‌ها آغاز و نتایج به دست آمده و فراوانی هر یک از آنها در جدول‌های جداگانه به ثبت رسید و با توجه به همه این موارد، تحلیل نهایی صورت گرفت. از آن جا که برای انجام این پژوهش، باید به آرشیو مراجعه می‌شد و نمایشنامه‌های رادیویی مورد بررسی قرار می‌گرفت، ابزار گردآوری اطلاعات، روش کتابخانه‌ای-اسنادی است. در این پژوهش، هفت نمایشنامه رادیویی از دهه ۶۰ و ده نمایشنامه رادیویی از دهه ۹۰ که به جنگ ایران و عراق پرداخته‌اند، مورد بررسی قرار گرفته و هر یک از نمونه‌ها به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. در این پژوهش، واحد تحلیل، نمایشنامه‌های رادیویی دهه ۶۰ و دهه ۹۰ است و همچنین واحد معنا، دیالوگ‌های نمایشنامه‌های رادیویی و در نهایت، واحد ثبت، مضمونی است که از دل این نمایشنامه‌ها و دیالوگ‌ها دریافت می‌شود.

یافته‌های پژوهش

تقسیم‌بندی نمایشنامه‌های رادیویی نوشته‌شده براساس دوره زمانی آنها:

نمایشنامه‌های رادیویی دهه ۹۰	نمایشنامه‌های رادیویی دهه ۶۰
۱. چهلمین نفر	۱. پیوند
۲. ساده مثل سرباز	۲. تا عرش کبریا
۳. نفوذی	۳. مجید به جبهه می‌رود
۴. آسمان کبود	۴. خلبان هواپیمایی عیاران تهران
۵. لحظه تصمیم	۵. آشنای همه
۶. پس از پیروزی	۶. پشت دیوار شب
۷. پوتین‌های عموبابا	۷. این جنگ، خیر است
۸. خاطره تلخ	
۹. اسیر	
۱۰. ماجرای یک تصمیم	

مقوله‌ها و زیرمقوله‌های موردبررسی در این پژوهش:

مفهوم جزئی	زیرمقوله‌ها	مقوله‌ها
	عدم‌توجه به تعلق‌های مادی (زندگی‌ساده و بدون تجمل)	بازنمایی مفاهیم ارزشی جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی
	حضور داوطلبانه در جنگ (تکلیف) (احساس وظیفه)	
	اعتقاد دینی و مذهبی	
مهربانی، احترام، فروتنی و...	اخلاق نیکو	
	ایثار و فداکاری	
	شهید و شهادت	
	رزمنده (سرباز)	
	جانباز	
	اسیر	
	مبارزه و دفاع از اسلام، وطن و مردم	
	قدرت	
	شجاعت	

ادامه مقوله‌ها و زیرمقوله‌های موردبررسی در این پژوهش:

	اشتیاق برای شهادت و نهراسیدن از مرگ ترس از کشته شدن	بازنمایی شیوهٔ برخورد با مرگ در بین نیروهای ایرانی
تنهایی، انتظار، غصه، ترس، مشکل روانی، افسردگی و...	آسیب‌های روحی	بازنمایی رنج‌های ناشی از جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی
	آسیب‌های جسمی	
	ویرانی	
	حضور به اجبار در جنگ	
	کشته شدن و تلفات مردم و نیروها	
	مرگ ناشی از فقدان عزیزان در جنگ	
	اسارت	
	شکنجه	
فقر و بی‌پولی، آوارگی و مهاجرت، محرومیت زنان و فرزندان از داشتن سرپرست و...	بحران‌های اجتماعی	
	ترس از کشته شدن	بازنمایی نیروهای عراقی
	نهراسیدن از مرگ	
	بی‌ادبی	
	بی‌رحمی	
	حضور به اجبار در جنگ	
	حضور داوطلبانه در جنگ	
	گرفتار عذاب وجدان	
	انسان‌دوستی	
	دارای اعتقاد دینی و مذهبی	
	شجاعت	
	قدرت	

مقوله‌بندی و کدگذاری نمایشنامه‌های رادیویی دههٔ ۶۰ براساس دیالوگ‌ها و مفاهیم برداشت‌شده از آنها:

(لازم به ذکر است که به دلیل تعداد زیاد دیالوگ‌ها، تنها به بخشی از آنها به‌عنوان مثال اشاره می‌شود.)

نمایشنامه «پیوند»

مقولهٔ بازنمایی مفاهیم ارزشی جنگ در میان مردم و نیروهای ایرانی؛
زیرمقوله: اعتقاد دینی و مذهبی؛

۱. حمید: اگه می‌خوای روح من، تو اون دنیا شاد باشه، نمازتو ترک نکن. به اسلام و قرآن و خمینی پشت نکن. اینو بدون، راهی که برادر تو و برادرای تو دارن میرن به‌خاطر خداست. راه ما راه مقدسیه که به خدا ختم میشه.

نمایشنامه «تا عرش کبریا»

مقولهٔ بازنمایی مفاهیم ارزشی جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی؛
زیرمقوله: شهید و شهادت؛

۱. امیر: تو می‌دونی که شهید تا عرش کبریا راه داره.

مبارزه و دفاع از وطن، اسلام و مردم؛

۱. امیر: من اسلحه به دست می‌گیرم تا از قرآن و اسلام دفاع کنم.

مقولهٔ بازنمایی شیوهٔ برخورد با مرگ در میان نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: اشتیاق برای شهادت و نهراسیدن از مرگ؛

۱. امیر: مادر جون انقدر نگران من نباشید. مگه نمی‌دونید جنگ شروع شده. می‌دونید چقدر از جوون‌های ما دارن تو جنگ از دست میرن. اونها شهادت رو با آغوش باز استقبال می‌کنن.

مقولهٔ بازنمایی رنج‌های ناشی از جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: مرگ ناشی از فقدان عزیزان در جنگ؛

۱. پدر امیر: شاید مثل همهٔ مادرها طاقت نیاورد.

نمایشنامه «مجید به جبهه می‌رود»

مقوله بازنمایی رنج‌های ناشی از جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: ویرانی؛

۱. پدر: مگه الان تو این شهر منظره‌ی جالب هم پیدا میشه که اونو به من نشون بدی. این بی‌شرف‌ها با اون خمپاره‌ای که دم به ساعت رو سر مردم میریزن، مگه چیزی هم باقی گذاشتن که جالب باشه؟

آسیب جسمی:

۱. حمید: ولی ای کاش بعضی‌ها اقلایه جو غیرت تو وجودشون حس می‌کردن که این طور عاطل و باطل نشینن و برن تو بیمارستان‌ها، این مردم بدبخت و که زیر توپ‌های عراقی له و لورده شدن، پرستاری کنن.

نمایشنامه «خلبان هواپیمایی عتاران تهران»

مقوله بازنمایی مفاهیم ارزشی جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: اخلاق نیکو؛

۱. یوسف: قوای اسلام با اسیراش بدرفتاری نمیکنه. ما کسی رو شکنجه نمیدیم.

جانبا:

۱. یوسف: من به پای خودمو دادم. حاضرم جونم بدم.

مقوله بازنمایی شیوه برخورد با مرگ در بین نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: اشتیاق به شهادت و نهراسیدن از مرگ؛

۱. عراقی: می‌کشت!

یوسف: تازه به آرزوم می‌رسم.

مقوله بازنمایی نیروهای عراقی؛

زیرمقوله: بی‌رحمی؛

۱. یوسف: تو شهر ما رو بمبارون کردی. خونه رو، رو سر خواهران و برادران و

مسلمون‌های بی‌گناه خراب کردی.

حضور به اجبار در جنگ:

۱. عراقی: مجبورم کردن. من و عبدالرزاق همیشه از حمله به ایران سر باز زدیم. ولی این بار به دستور صدام آمدیم.

نمایشنامه «آشنای همه»

مقوله بازنمایی مفاهیم ارزشی جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: اعتقاد دینی و مذهبی؛

۱. سرباز: هنوز فریاد الله اکبر حسین توی گوشمه. این فریادهای الله اکبر که تانک‌ها رو از کار میندازه.

مقوله بازنمایی رنج‌های ناشی از جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: ویرانی؛

۱. عکاس (راوی): همه‌چی نشان از جنگ داشت. خونه‌های سوخته، درخت‌های شکسته، ماشین‌های داغون‌شده کنار خیابون‌ها و سنگ‌راهی که سر کوچه‌ها ساخته بودن.

نمایشنامه «پشت دیوار شب»

مقوله بازنمایی نیروهای عراقی؛

زیرمقوله: بی‌رحمی؛

۱. افسر عراقی: منظورت از این مزخرفات چیه؟ ما که حتی سگ و گربه‌های این آبادی رو هم کشتیم.

ترس از کشته شدن:

۱. پاس‌بخش سوم: التماس می‌کنم قربان. خواهش می‌کنم قربان. به من رحم کنید. اون‌ها الان حاضر و آماده اون تو منتظرن تا ما وارد بشیم و آبکشمون کنن!

نمایشنامه «این جنگ، خیر است»

مقوله بازنمایی رنج‌های ناشی از جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: آسیب جسمی؛

۱. راوی (رزمنده): وقتی به نزدیک در آسایشگاه رسید، تازه متوجه شدم که فقط دست چپش کار می‌کنه و از دست راست خبری نیست.

مقوله‌بندی و کدگذاری نمایشنامه‌های رادیویی دهه ۹۰ براساس دیالوگ‌ها و مفاهیم برداشت‌شده از آنها: (لازم به ذکر است که به دلیل تعداد زیاد دیالوگ‌ها، تنها به بخشی از آنها به عنوان مثال اشاره می‌شود.)

نمایشنامه «چهلمین نفر»

مقوله بازنمایی مفاهیم ارزشی جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: اعتقاد دینی و مذهبی؛

۱. راوی: با شنیدن اذان ظهر، آستین‌ها رو بالا میزنه. فرماندهان از خط فاصله می‌گیرند به سمت سنگرهای عقب‌تر و برای خواندن نماز ظهر.

نمایشنامه «ساده مثل سرباز»

مقوله بازنمایی مفاهیم ارزشی جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: حضور داوطلبانه در جنگ (تکلیف) (احساس وظیفه)؛

۱. نرگس: هیچ‌کس تو رو مجبور نمی‌کنه لباس نظامی تنت کنی و بری جبهه!
امیر: درسته. هیچ‌کس مجبور نمی‌کنه. اصلاً من می‌خوام داوطلبانه برم جبهه!!

مقوله بازنمایی رنج‌های ناشی از جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: بحران‌های اجتماعی (آوارگی و مهاجرت)؛

۱. نرگس: دیروز بابام زنگ زد به یکی از دوستاش که تو خرمشهر! گفت مردم دارن از خرمشهر میرن! گفت دارن زن و بچه‌هاشونو از شهر بیرون می‌کنن.

نمایشنامه «نفوذی»

مقوله بازنمایی مفاهیم ارزشی جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: اعتقاد دینی و مذهبی؛

۱. سید: خوشا به سعادت مرتضی. شب عزیزی به شهادت رسیدی. شب ۱۹
رمضان. شب ضربت خوردن مولا.

نمایشنامه «آسمان کبود»

مقوله بازنمایی شیوه برخورد با مرگ در بین نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: اشتیاق برای شهادت و نهراسیدن از مرگ؛

۱. محمد جهان‌آرا: خدایا پس جای محمد کجاست؟ شما بگید! وقتی محمد
دست روی تابوتتون میکشه، سردی مرگتون رو حس نمی‌کنه. شاید نمردین.
چرا محمد میون شما جایی نداره؟!

نمایشنامه «لحظه تصمیم»:

مقوله بازنمایی نیروهای عراقی؛

زیرمقوله: انسان‌دوستی؛

۱. سروان صالح: ما نباید بذاریم یه مشت پیرمرد و پیرزن و بچه سلاخی بشن.
گرفتار عذاب وجدان:

۱. سروان صالح: من دیگه نمی‌تونم اون صدایی که تو گوشم زنگ میزنه رو
تحمل کنم. نمی‌تونم خودمو گول بزنم و فکر کنم که اونها کافرن. حتی اگر
هم باشن، حق نیست که باهاشون این‌طوری رفتار بشه!

نمایشنامه «پس از پیروزی»:

مقوله بازنمایی مفاهیم ارزشی جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: اعتقاد دینی و مذهبی؛

۱. راوی (تیمسار فلاحی): می‌خوام جز به پیشگاه خداوند در برابر کسی سر
تعظیم فرود نیآوری!

نمایشنامه «پوتین‌های عموبابا»

مقوله بازنمایی رنج‌های ناشی از جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: آسیب روحی؛

۱. مادر بزرگ: حالا دیگه همه فقط حرف از جنگ می‌زنن. کسی نمی‌دونه جنگ چه بچه‌هایی رو از مادرشون گرفت، کسی نمی‌فهمه مادر بچه‌های جنگ چی می‌کشن. درد مادر رو هیچ‌کس نمی‌فهمه. هیچ‌کس (غمه و ناراحتی).

نمایشنامه «خاطره تلخ»

مقوله بازنمایی مفاهیم ارزشی جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: شهید و شهادت؛

۱. حاج قاسم: همیشه آرزوش بود، می‌گفت پرونده‌ش سیاه. لیاقت شهادت نداره. شهید شد. خدا بنده‌های مخلصشو دست‌چین می‌کنه.

نمایشنامه «اسیر»

مقوله بازنمایی مفاهیم ارزشی جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: عدم توجه به تعلق‌های مادی (زندگی ساده و بدون تجمل)؛

۱. عباس: پیراهن آبی‌ش از بس آفتاب خورده بود، رنگش پریده بود... راستش از خودم خجالت کشیدم، فرمانده لشکر منم انقدر ساده بود، اون وقت من...

اخلاق نیکو

۱. یاسر: من این جونور رو به حرف میارم.

محمد: حق نداری با اسیر اینجوری رفتار کنی!

نمایشنامه «ماجرای یک تصمیم»

مقوله بازنمایی شیوه برخورد با مرگ در بین نیروهای ایرانی؛

زیرمقوله: اشتیاق برای شهادت و نهراسیدن از مرگ؛

۱. مسعود: تو عملیات چند ماه پیش، سعید برای باز کردن راه رزمنده‌ها رفت روی مین و به آرزوش رسید.

بازنمایی جنگ ایران و عراق در نمایشنامه‌های رادیویی

تعداد نمایشنامه‌هایی که به مقوله «بازنمایی مفاهیم ارزشی جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی» پرداخته‌اند:

(از بین هفت نمایشنامه دهه ۶۰ و ده نمایشنامه دهه ۹۰)

نمایشنامه‌های دهه ۹۰	نمایشنامه‌های دهه ۶۰	نمایشنامه‌ها زیرمقوله‌ها
۲	۱	عدم توجه به تعلق‌های مادی (زندگی ساده و بدون تجمل)
۱۰	۶	اعتقاد دینی و مذهبی
۴	۳	حضور داوطلبانه در جنگ (تکلیف) (احساس وظیفه)
۴	۳	اخلاق نیکو
۳	۴	ایثار و فداکاری
۸	۴	شهید و شهادت
۴	۳	رزمنده (سرباز)
۰	۲	جانناز
۰	۰	اسیر
۶	۵	مبارزه و دفاع از اسلام، وطن و مردم
۴	۲	قدرت
۲	۲	شجاعت

تعداد نمایشنامه‌هایی که به مقوله «بازنمایی شیوه برخورد با مرگ در بین نیروهای ایرانی» پرداخته‌اند: (از بین

هفت نمایشنامه دهه ۶۰ و ده نمایشنامه دهه ۹۰)

نمایشنامه‌های دهه ۹۰	نمایشنامه‌های دهه ۶۰	نمایشنامه‌ها زیرمقوله‌ها
۷	۳	اشتباک برای شهادت و نهراسیدن از مرگ
۰	۰	ترس از کشته شدن

بازنمایی جنگ ایران و عراق در نمایشنامه‌های رادیویی

تعداد نمایشنامه‌هایی که به مقولهٔ «بازنمایی رنج‌های ناشی از جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی» پرداخته‌اند: (از بین هفت نمایشنامهٔ دههٔ ۶۰ و ده نمایشنامهٔ دههٔ ۹۰)

نمایشنامه‌های دههٔ ۹۰	نمایشنامه‌های دههٔ ۶۰	نمایشنامه‌ها زیرمقوله‌ها
۷	۲	آسیب‌های روحی
۳	۴	آسیب‌های جسمی
۰	۴	ویرانی
۰	۰	حضور به اجبار در جنگ
۳	۳	کشته شدن و تلفات مردم و نیروها
۱	۱	مرگ ناشی از فقدان عزیزان در جنگ
۲	۰	اسارت
۱	۰	شکنجه
۳	۱	بحران‌های اجتماعی

تعداد نمایشنامه‌هایی که به مقولهٔ «بازنمایی نیروهای عراقی» پرداخته‌اند: (از بین هفت نمایشنامهٔ دههٔ ۶۰ و ده نمایشنامهٔ دههٔ ۹۰)

نمایشنامه‌های دههٔ ۹۰	نمایشنامه‌های دههٔ ۶۰	نمایشنامه‌ها زیرمقوله‌ها
۲	۲	ترس از کشته شدن
۰	۰	نهراسیدن از مرگ
۱	۱	بی‌ادبی
۴	۴	بی‌رحمی
۰	۱	حضور به اجبار در جنگ
۰	۰	حضور داوطلبانه در جنگ
۱	۱	گرفتار عذاب وجدان
۱	۱	انسان‌دوستی
۱	۱	دارای اعتقاد دینی و مذهبی
۰	۰	شجاعت
۱	۰	قدرت

۱. لازم به ذکر است که تمام نمونه‌های (نمایشنامه‌های رادیویی) بررسی‌شده در این پژوهش، از آرشیو صدا و سیما استخراج شده است.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های به‌دست‌آمده، از دو منظر می‌توان به جمع‌بندی رسید.

۱. نخست، نحوه‌ی بازنمایی جنگ ایران و عراق در نمایشنامه‌های رادیویی دهه‌ی ۶۰ و ۹۰ را مورد بررسی قرار می‌دهیم. لازمه‌ی این کار، توجه به چهار مقوله‌ای است که برای این نمایشنامه‌ها در نظر گرفته شده است. یکی از این مقوله‌ها، بازنمایی مفاهیم ارزشی جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی بود که با بررسی دو دهه‌ی موردنظر، این نتیجه حاصل شد که چه در دهه‌ی ۶۰- که دهه‌ی ابتدایی انقلاب اسلامی و دهه‌ی رخداد جنگ بود- و چه در دهه‌ی ۹۰- که نزدیک به چهاردهه از دوران جنگ، گذشته و این پژوهش، در این دهه انجام پذیرفته- مفاهیم ارزشی جنگ بیشترین کاربرد و بازنمایی را در نمایشنامه‌های رادیویی مرتبط با جنگ داشته است و از بین این مفاهیم ارزشی، به‌ترتیب، اعتقاد دینی و مذهبی، شهید و شهادت، مبارزه و دفاع از اسلام، وطن و مردم، بالاترین میزان بازنمایی را در هر دو دهه به خود اختصاص داده‌اند. مقوله‌ی بعدی، بازنمایی شیوه‌ی برخورد با مرگ در بین نیروهای ایرانی است که خود به دو زیرمقوله تقسیم می‌شود؛ اول، اشتیاق به شهادت و نهراسیدن از مرگ و دومین زیرمقوله، ترس از کشته شدن است که نتایج نشان داد از بین هفت نمایشنامه‌ی دهه‌ی ۶۰، شش نمایشنامه و از بین ده نمایشنامه‌ی دهه‌ی ۹۰، نه نمایشنامه، اشتیاق به شهادت و نهراسیدن از مرگ را در بین نیروهای ایرانی بازنمایی کرده‌اند و اصلاً زیرمقوله‌ی ترس از کشته شدن، جایی در این بازنمایی‌ها نداشته است. سومین مقوله‌ی موردبررسی، بازنمایی رنج‌های ناشی از جنگ در بین مردم و نیروهای ایرانی است که با توجه به زیرمقوله‌های در نظر گرفته‌شده، می‌توان گفت در دو دهه‌ی ۶۰ و ۹۰، به مواردی همچون حضور به‌اجبار در جنگ، کشته شدن و تلفات مردم و نیروها، اسارت، شکنجه، مرگ ناشی از فقدان عزیزان در جنگ و بحران‌های اجتماعی، پرداخته‌نشده و یا خیلی کم مورد اشاره قرار گرفته‌اند. مقوله‌ی بازنمایی نیروهای عراقی، چهارمین مقوله‌ای است که در این پژوهش، بررسی شده است. در میان آثار نوشته‌شده، تعداد اندکی به نیروهای عراقی پرداخته‌اند و بیشتر به مردم و نیروهای ایرانی اشاره کرده‌اند، به همین دلیل، فراوانی هر یک از زیرمقوله‌ها نسبت به موارد قبلی، کمتر است. با توجه به نتایج، می‌توان گفت تغییر زیادی در بازنمایی نیروهای عراقی در این

دو دهه صورت نگرفته و همیشه نیروهای عراقی- برخلاف نیروهای ایرانی- از مرگ هراس داشتند و افرادی بی‌رحم و بی‌ادب بودند. اما در میان نیروهای عراقی، افراد دارای اعتقاد دینی، مذهبی و انسان‌دوست هم پیدا می‌شدند که به‌اجبار در جنگ حاضر شده و گرفتار عذاب وجدان بودند و تمایلی به کشتن مردم و نیروهای ایرانی نداشتند. با توضیح این چهار مقوله و زیرمقوله‌های آن، می‌توان گفت بازنمایی این رویداد، تقریباً به‌طور کامل مورد بررسی قرار گرفت.

۲. در مرحله دوم، برای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری این پژوهش، باید رابطه بازنمایی جنگ ایران و عراق با گفتمان‌های موجود در دهه‌های ۶۰ و ۹۰ را مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

نمایشنامه‌های رادیویی که به موضوع جنگ می‌پردازند، به دو دوره زمانی جنگ و پس از جنگ تقسیم می‌شوند که از این دو دوره، نمایشنامه‌هایی که به زمان جنگ می‌پردازند، خود به دو بخش جبهه‌های جنگ و پشت جبهه‌های جنگ (درون شهرها) دسته‌بندی می‌شوند. بنابراین، بیشتر آثار دهه ۶۰- که دهه وقوع جنگ بود- به این دوران پرداخته است. اما این انتظار وجود داشت که در دهه ۹۰، در کنار آثار زمان جنگ، به زمان پس از جنگ، به‌شکلی برابر پرداخته شود تا ناگفته‌ها و زوایای پنهان این رویداد تاریخی، روشن شود و مخاطب به آگاهی برسد، اما متأسفانه این اتفاق نیفتاده است. همان‌گونه که قبلاً بیان شد، در دهه ۶۰، گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان جنگ، قوت زیادی داشتند و این امر سبب شد حضور در جبهه‌های جنگ، پررنگ شود و در کنار این قضیه، رسانه‌های مختلفی که تریبون نظام اسلامی بودند، از جمله رادیو، با این موضوع همراه شدند و مردم را برای حضور در جبهه نبرد و پشتیبانی مادی و معنوی از رزمندگان تشویق کردند. در واقع، بازنمایی جنگ در دهه ۶۰، نشان‌دهنده شرایط برخاسته از جریان‌های فکری و اجتماعی حاکم بر جامعه بود؛ برای تهییج افراد به مبارزه و تشویق آنها برای حضور در جبهه، جنبه تقدس‌گرایی دفاع، برجسته شد و قطعاً پذیرفته نبود که به موارد مایوس‌کننده که برای مردم، ایجاد ترس می‌کرد، پرداخته شود. بنابراین برای حفظ روحیه عمومی، نمایشنامه‌نویسان و سفارش‌دهندگان، باید مفاهیم مثبت را به کار می‌گرفتند که این کار را هم انجام دادند، اما در دهه ۹۰، با وجود گسترش ارتباطات و رسانه‌های گوناگونی همچون شبکه‌های ماهواره‌ای،

شبکه‌های مجازی و...، گفتمان‌های متفاوتی مانند: گفتمان ضدجنگ و گفتمان انتقادی در کنار گفتمان‌های موجود، در جامعه رشد کردند که از قضا با گفتمان رسمی کشور زاویه داشتند و ذهن مخاطبان را تحت تأثیر خود قرار می‌دادند، پس دیگر نمی‌توان به همان شکل گذشته، سراغ مخاطب رفت، زیرا وقتی مخاطب حرف تازه‌ای را از رسانه دریافت نکند، رسانه خود را تغییر خواهد داد. استوارت هال که این پژوهش با تکیه بر نظریه بازنمایی او بنا شده، اعتقاد داشت بازنمایی را باید درون یک ساختار فهم کرد که ممکن است بخشی از آن، مربوط به تولیدکننده اثر، بخشی مربوط به برجسته‌سازی و بخش دیگر، طبق شرایط اجتماعی و فرهنگی باشد که براساس این نظر، باید به شرایط اجتماعی و فرهنگی امروز جامعه ایران توجه کرد. در واقع، نباید طبق شرایط جامعه دهه ۶۰ با جامعه دهه ۹۰ برخورد کنیم. هال اشاره می‌کند که در مسیر بازنمایی، دو استراتژی توسط رسانه‌ها در دستور کار قرار می‌گیرند: کلیشه‌سازی و طبیعی‌سازی. بازنمایی جنگ در دهه ۹۰، در ورطه‌ای میان این دو استراتژی، گرفتار مانده و با شعارزدگی و سطحی‌نگری با این مسئله برخورد می‌شود. کلیشه، یک پدیده را تا حد زیادی ساده‌سازی می‌کند و با تعداد اندکی از خصیصه‌های ساده و اغراق‌شده، به آن پدیده می‌پردازد که همین اتفاق، در بازنمایی رویداد جنگ در دهه ۹۰، به وضوح قابل دریافت است؛ چه در خط داستانی، چه در مفاهیم و چه در نوع روایت آنها. (البته شاید زمان کمی که با توجه به فراخوان‌های موضوعی به نویسندگان می‌دهند و مبلغ اندکی که برای هر نمایشنامه در نظر می‌گیرند، به‌علاوه، تفکری که از سوی سفارش‌دهندگان بر نویسندگان تحمیل می‌شود، از علل این ضعف‌ها به شمار آید.) کلیشه به دنبال مرزبندی است. مرز بین خود و دیگری، دوست و دشمن؛ که این مرزبندی در بازنمایی جنگ ایران و عراق، خود را نشان می‌دهد. مردم و نیروهای ایرانی، مثبت و نیروهای عراقی، منفی تلقی می‌شوند. البته ممکن است در بین نیروهای عراقی، انسان‌های باایمان و معتقدی هم پیدا شوند که مخالف حزب بعث هستند که این هم در جهت اثبات برحق بودن نیروهای ایرانی است. اینکه نیروهای ایرانی برحق بودند و نیروهای عراقی، باطل، موضوع بحث نیست، بلکه شیوه برخورد با این موارد و بازنمایی آنها، مورد بحث است.

همان‌گونه که در ابتدای این پژوهش اشاره شد، استوارت هال سه برداشت

از بازنمایی رسانه‌ای دارد: نخست، نظریهٔ بازتابی، که معنا را همچون یک آینه بازتاب می‌دهد. دوم، نظریهٔ تعمدی، که معنا را براساس قصد مؤلف بیان می‌کند و سوم، نظریهٔ برساختی، که با توجه به این نظریه، معنا در یک فرایند اجتماعی به نام نظام بازنمایی ساخته می‌شود که این نظام، برساخت‌گرایانه است، یعنی معنا در رابطه با افراد، مفاهیم، محیط و اشیا شکل می‌گیرد و در گذر زمان، تغییر می‌کند. جنگ، به خودی خود، مفهومی منفی را بازتاب می‌دهد، حال ممکن است به شکل تعمدی، جنبهٔ تقدس‌گرایی آن برجسته شود غافل از آن که در نظام برساخت‌گرایانه، مخاطب، با توجه به شرایط زمانه، برداشت خودش را از این مسئله دارد. با توجه به نظر استوارت هال، بازنمایی جنگ ایران و عراق در رسانهٔ ملی که در دههٔ ۹۰ انجام شد، تنها به بخشی از گفتمان‌های موجود، توجه ویژه داشت و به گفتمان‌های دیگر، توجه زیادی نکرد. در واقع، در این نظام بازنمایی، مفاهیم گزینش شدند. بخش‌هایی همچون مفاهیم ارزشی جنگ به رسمیت شناخته شدند و بخش‌های دیگر مثل رنج‌ها و آسیب‌ها به حاشیه رفتند. بازنمایی جنگ در دههٔ ۶۰، با توجه به قدرت شدید گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمان جنگ و با تکیه بر مفاهیم ارزشی، توجیه‌پذیر است، اما اگر بخواهیم در حال حاضر، مسائل گذشته، همچون جنگ را بازنمایی کنیم، باید به شرایط کنونی جامعه و افکار و گفتمان‌های موجود در آن توجه کنیم تا از این طریق، بتوانیم به جذب حداکثری مخاطب برسیم، البته این بدان معنی نیست که مفاهیم ارزشی جنگ کنار گذاشته شود و مورد توجه قرار نگیرد، زیرا نمی‌توان ارزش‌های ۸ سال دفاع از وطن اسلامی را نادیده گرفت و رشادت‌های رزمندگان را ارج نهاد، اما باید به ناگفته‌های جنگ هم پرداخت تا مخاطب انگیزه‌ای داشته باشد محصول رسانه‌ای را دریافت کند و در این محصول رسانه‌ای، حرف تازه‌ای را پیدا کند. در این صورت می‌شود در لایه‌های پنهان متن به مفاهیم ارزشی جنگ هم اشاره کرد تا به صورت ناخودآگاه در ذهن مخاطب، ارزش‌های جنگ جای گیرد. البته اگر مفاهیم ارزشی و ناگفته‌های جنگ در قالب داستان‌های جدید و با روایتی نو بازنمایی شوند، قطعاً تأثیرگذارتر خواهند بود.

منابع و مأخذ

ایوبی، حجت‌ا... (۱۳۸۰). «مؤلفه‌های گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی». فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی. شماره ۱. صص ۲۱-۳۶.

بارت، رولان (۱۳۸۰). «اسطوره در زمان حاضر». ترجمه یوسف ابادری. فصلنامه ارغنون. شماره ۱۸. صص ۸۵-۱۳۵.

بارگر، کریس (۱۳۸۷). مطالعات فرهنگی (نظریه و عملکرد). ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی. چاپ اول. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

بن، زلی، و آن‌گاتورپ (۲۰۰۷). چگونه برای صحنه، رادیو و تلویزیون، نمایشنامه بنویسیم. ترجمه مهرداد تهرانیان‌راد. ۱۳۹۱. تهران: انتشارات سروش.

جمشیدی، فرانک (۱۳۸۷). «گونه‌شناسی روایت‌های جنگ». نشریه مطالعات ملی. دوره نهم. شماره ۲. صص ۷۹-۱۱۲.

جوادیان‌زاده، مجید (۱۳۹۰). مقایسه بازنمایی تجربه جنگ در ۱۰ رمان جنگ ایران و عراق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

کالر، جان‌تاتان (۱۳۸۲). نظریه ادبی. ترجمه فرزانه طاهری. چاپ اول. تهران: نشر مرکز.

مدنی، سعید، و فریبا نظری (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر گفتمان رسمی بر روایت زنان از جنگ ایران و عراق». پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. سال اول. شماره ۴. صص ۱۲۵-۱۴۹.

مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۷۸). رسانه‌ها و بازنمایی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

- Foucault, Michel. (1980). **Power/ Knowledge: Selected Interviews and Other writings 1972-1977.**

Edited by Colin Gordon. London: Harvester.

- Foucault, Michel. (1982). **The subject and power.** In Hubert L. Dreyfus and Paul Rabinow. Michel

Foucault: Beyond Structuralism and Hermeneutics. Chicago: University of Chicago press.

- Hall, Stuart. (1997). **Cultural Representation and Signifying Practice,** London: Sage publications.

- Hall, Stuart. (2003). "The Work Representation", in Stuart Hall (Eds) **Representation, Cultural Representation and Signifying Practice,** London: Sage publications.

- Hall, Stuart & Jhally, Sut. (2007). **Representation & The Media,** Northampton, Ma: Media Education Foundation.

